###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

######  واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**بررسي علل مهاجرت نيروي كار از روستاها به شهرها در ايران**

**مقدمه:**

تحقيق حاضر سعي دارد كه در 2 بعد جداگانه برخي از علل مهاجرت نيروي كار در ايران را مورد بررسي قرار دهد. اگر بخواهيم عوامل اصلي مهاجرت را بطور كلي مورد تقسيم‌بندي قرار دهيم مي‌توانيم دو دسته از عوامل را مؤثر بدانيم. گروه اول را عوامل فشار(Push Factors) مي‌نامند كه شامل غيراقتصادي شدن فعاليتهاي كشاورزي، توزيع ناعادلانه زمين، رشد جمعيت و ثابت ماندن بازده توليد در بخش كشاورزي است.

گروه دوم به عوامل كششي يا جذب(Pull Factors) موسومند كه شامل دوگانگي منطقه‌اي و نخصيص بيشتر منابع در بخشهاي شهري(خدمات و صنعت) و بهتر بودن سطح زندگي در مناطق شهري است. به منظور تجزيه وتحليل تأثير اين 2 دسته از عوامل از شاخصهاي درآمدهاي انتظاري در شهر از مدل هريس- تودارو استفاده مي‌شود.

در بحث‌هاي تئوريك و نظري به اين نتيجه مي‌رسيم كه نمي‌توان ديوار بلندي بين عوامل كشش و جذب ترسيم كرد. چون نوعي ارتباط متقابل بين اين 2 دسته از عوامل وجود دارد. به عقيدة آنها آنچه كه واقعاَ‌ مهاجرت نيروي كار را تسريع مي‌كند همان دوگانگي منطقه‌اي است. اين 2 معتقدند كه مهاجرت در هر منطقه‌اي امري طبيعي است چون نوعي توالي در رشد بخشها وجود دارد و خودبه‌خود و به مرور زمان با جايگزين شدن عوامل توليدي بجاي يكديگر سهم نيروي كار در بخش كشاورزي در اشتغال كل كاهش مي‌يابد و سهم بخش صنعت و خدمات افزايش مي‌يابد.

اما آنچه كه كشورهاي در حال توسعه را از كشورهاي پيشرفته متمايز مي‌سازد ناهمگوني در مهاجرت نيروي كار است. بطوري كه در اين كشورها محدود بودن امكانات توليد از يك طرف و محدود بودن ارتباطهاي بخش كشاورزي با ساير بخشهاي اقتصاد از طرف ديگر موجب مي‌شود تا اين كشورها تلاش بيشتري در جهت گسترش بخش صنعت شهري از خود نشان بدهند.

اين 2 گروه از عوامل اقتصادي همراه با عوامل غيراقتصادي مانند روابط و شيوه توليد، سازمان اجتماعي توليد و غيره موجب‌ مي‌شوند تا از اهميت بخش كشاورزي در جريان توسعه كاسته شود و نقش پيشتاز به بخشهاي شهري واگذار شود به ويژه آنكه بخش عمده‌اي از توليدات در بخش كشاورزي را كالاهاي مصرفي تشكيل مي‌دهند كه هر چند داراي ارتباطهاي پسين گسترده‌اي هستند ليكن ارتباطهاي پيشين آنها بسيار محدود و مشخص است.

در اين حالت بخش پيشتاز اقتصاد بخش صنعت خواهد بود تا از يك طرف به عنوان ستون اصلي و رشد عمل كند و از طرف ديگر از طريق توليد محصولات صنعتي مورد استفاده در بخش كشاورزي مانند تراكتور- پمپ آب- كمباين- كود- سم و غيره بخش كشاورزي را به جلو بكشد.

بدين ترتيب بخش كشاورزي در مراحل اوليه توسعه اقتصادي قرباني جريان توسعه است و براي بهبود بايد انتظاري طولاني بكشد كه اين خود يكي از دلايل اصلي مهاجرت نيروي كار از روستاها به مناطق و مراكز شهري مي‌باشد.

در تحقيق حاضر ابتدا بطور مجزا دوگانگي منطقه‌اي به عنوان عامل جذب و فشار مورد بررسي قرار گرفته است كه مشخص شود تا چه حد تفاوت در نرخهاي رشد منطقه‌اي و نابرابري در رابطة مبادلة بين محصولات كشاورزي و صنعتي بر مهاجرت تأثير داشته است و در نهايت در قسمت سوم نتيجه‌گيري و پيشنهادات ارائه خواهد شد.

البته لازم به تذكر است كه برخلاف گذشته كه مهاجرت نيروي كار روستايي به دليل تامين نيروي انساني مراكز شهري از نظر اقتصاددانان مطلوب تلقي مي‌شد ولي امروزه مهاجرت به عنوان عامل عمده‌اي كه پديدة عمومي و فراگير نيروي كار مازاد شهري را دامن مي‌زند و مشكلات جدي بي‌كاري شهري را وخيم‌تر مي‌كند مورد توجه قرار مي‌گيرد. اين مشكلات بواسطة عدم توازن ساختاري و اقتصادي بين مناطق شهري و روستايي بوجود آمده است.

فصل اول

**سؤالات:**

1. بين دوگانگي منطقه‌اي و مهاجرت نيروي كار چه ارتباطي وجود دارد؟
2. چند درصد بين سطح درآمد روستائي و شهري و مهاجرت نيروي روستائي ارتباط وجود دارد؟
3. عوامل جاذب شهري به چه ميزان در مهاجرت نيروي كار روستائي مؤثر است؟
4. چرا عدم وجود امكانات رفاهي مي‌تواند عاملي در جهت مهاجرت نيروي كار باشد؟
5. چرا تمركز بخشهاي صنعتي در شهرها مي‌تواند باعث مهاجرت نيروي كار روستائي باشد؟

**بيان مسئله:**

عوامل دفع كننده جمعيت كه در شهرهاي كوچك و روستاهاي كشورمان از ديرباز خيل نيروي كار را به مراكز شهرهاي بزرگ رانده است عبارتنداز:

1. الگوي مالكيت نادرست زمين
2. پايين بودن سطح درآمد روستايي
3. عدم وجود امكانات رفاهي(خدماتي- بهداشتي- آموزشي)
4. عدم وجود امكانات بازاريابي
5. بالا بودن هزينه توليد

در كنار اين عوامل، عوامل جذب كننده شهري را داريم كه در واقع همواره نيروي كار و جمعيت را در ايران بر سر دو راهي قرار مي‌دهد.

اين عوامل اگرچه از ديرباز به عنوان عامل جاذب در ايجاد پديدة مهاجرت نقش اساسي داشته است ولي در 2 دهة اخير عوامل فشار مهمترين عامل در مهاجرت روستائيان بوده‌اند از اين جمله مي‌توان توزيع غيراقتصادي زمين و عدم حمايت از روستائيان خرده‌پا را نام برد. از سال 1353 به بعد به علت افزايش ناگهاني درآمد نفت و تعديل در برنامة عمراني پنجم به طرف حمايت هرچه بيشتر از بخشهاي شهري و افزايش دستمزدها و جاذبه‌هاي شهري به عنوان عوامل كشش و جذب سيل مهاجرت روستائيان به شهرها را بيش از پيش شدت بخشيد كه از ميان اين 2 گروه عوامل، عوامل جذب تأثير عميق‌تري بر مهاجرت نيروي كار داشت.

به عبارتي از دهة 50 كه قيمت نفت بصورت ناگهاني افزايش يافت عوامل جاذب شهري بيش از پيش تصميم مهاجرت را بر ماندن در روستاها غالب كردچرا كه افزايش قيمت نفت ارز مورد نياز صنايع و بخش خدمات را سريعاَ تأمين كرد. از طرفي گسترش فعاليتهاي صنعتي( در قالب صنايع مونتاژ) و خدماتي در شهرهاي بزرگ و رونق كاذب، خود‌ به خود دستمزد نيروي كار شهري را افزايش دادافزايش دستمزد نيروي كار و بدنبال آن افزايش درآمد نيروي‌كار نيز تقاضا براي انواع كالاهاي مصرفي وارداتي را افزايش داد. اين تقاضا نيز از طريق ورود انواع كالاهاي وارداتي پاسخ داده شد.

اكنون فرضيه‌اي كه در اين ارتباط مي‌تواند مطرح شود اين است كه افزايش درآمد شهري و عميق‌تر شدن شكاف آن با درآمد روستائي عامل اصلي مهاجرت جميعت بخصوص نيروي كار مي‌تواند باشد.

بطورخلاصه مي‌توان گفت: مهاجرت از روستاها به مناطق شهري تا حدود دهه قبل در متون مربوط به توسعه اقتصادي بعنوان پديده‌اي مطلوب تلقي مي‌شد مهاجرت داخلي سريع فرآيند مطلوبي به نظر مي‌رسيد كه طي آن مازاد نيروي روستائي بتدريج از بخش كشاورزي سنتي گرفته مي‌شد و براي ايجاد نيروي كار ارزان مجتمع‌هاي صنعتي رو به رشد بكار مي‌رفت اين فرآيند از نظر اجتماعي مفيد محسوب مي‌شد زيرا منابع انساني را از مناطقي كه غالباَ محصول نهائي اجتماعي آن صفر تلقي مي‌گرديد به مناطقي انتقال مي‌داد كه نه تنها محصول نهائي آن مثبت بود بلكه درنتيجه انباشت سرمايه و پيشرفت تكنولوژي به سرعت هم رشد مي‌كرد.

در نهايت مي‌توان گفت تا تأثير نسبي سياستهاي اقتصادي متفاوت بر ماهيت – خصوصيت و حجم مهاجرت بصورت كمي تعيين مي‌شود و عواملي كه بر تصميم شخص در مهاجرت در مناطق مختلف اثري مي‌گذارد روشن نگردد قادر به تنظيم سياستهائي كه بطور مؤثر با مشكل دوگانه رشد سريع جمعيت شهرها و افزايش حاشيه‌گرائي شهري مواجه است نخواهيم بود.

**هدف كلي:**

# بررسي علل مهاجرت نيروي كار از روستاها به شهرها در ايران

**اهداف جزئي:**

# 1- تعيين ارتباط بين درآمد روستائي و مهاجرت نيروي كار روستائي

2- تعيين ارتباط بين عدم وجود امكانات رفاهي( خدماتي- بهداشتي- آموزشي) در مناطق روستائي و مهاجرت نيروي كار روستائي به شهرها

3- تعيين ارتباط بين عوامل جاذب شهري و مهاجرت نيروي كار روستائي

4- تعيين ارتباط بين تمركز بخشهاي صنعتي در شهرها و مهاجرت نيروي كار روستائي

**متغير وابسته:** مهاجرت نيروي كار روستائي

**متغير مستقل:** عواملي كه باعث مهاجرت مي‌شود مثل: كمبود درآمد روستائي – كمبود امكانات رفاهي از قبيل خدمات آموزشي- درماني و رفاهي